



سیاست – قسمت چهارم: سیاست روح انسانی

پس از سیاست روح نباتی و حیوانی که در مطالب قبل گذشت، حال این بدن مرکبی مناسب شده تا صورت عقل که روح انسانی (به [عبارت امیرالمؤمنین](#) علیه السلام، نفس ناطقه قدسیه) باشد بر آن سوار گردد. و در این وقت لازم است که آگاهی بیشتری از روح انسانی و چگونگی سیاست آن داشته باشیم، تا به بهترین وجوه آن را نمایانگر عقل نماییم.

ابتدا اینکه روح انسانی حقیقتی است که به واسطه آن از سایر حیوانات تمایز پیدا کرده و بخاطر عود مجاوره اش، تعین ابدی پیدا میکنیم و همانطور که روح حیوانی دارای قوای پنجگانه بود، روح انسانی نیز دارای قوای خمسَه فکر و ذکر (اظهار ما فی الضمیر) و علم و حلم و نباهت (هوشیاری) است، و همچنین دارای دو خصلت **نزاهت** (تنزه از صفات جمادیت، نباتیت و حیوانیت) و **حکمت** (راه رفتن به حکم عقل) می باشد.

اما قوای مذکور به محض اینکه روح انسانی در ما پیدا شود خود به بروز و ظهور می آید، چنانکه قوای حیوانی به محض تعلق روح حیوانی فعال میگشت، ولی صرف ظهور قوای انسانی کافی نیست و بایست که با سیاست آن قوا، به خصال انسانی که نزهت و حکمت باشد دست یابیم، و علم طریقت همان سیاست قوای انسانی است چنانکه شریعت سیاست قوای حیوانی بود و از ما حیوانی رام و مؤدب میساخت.

و اگر به سیاست قوای انسانی نپردازیم، جای نفس ناطقه قدسیه، نفس اماره بر آن غالب خواهد شد که بجای حصول حکمت و مرکب شدن برای عقل، شیطان بر او سوار میشود و به جای نزهت، مطیع مسلک حیوانیت و نباتیت و جمادیت خواهد شد و به اراضی موت و عادت و طبع و شهوت و غضب و الحاد و شقاوت سقوط خواهد کرد.

چنانکه میبینی بعضی از مردم به اطاعت جمادیت، داخل ارض موت میشوند و خصوصیات جمادی مانند جهل و بیشعوری، جحود و تنبلی و قساوت قلب در ایشان ظاهر میگردد. خداوند پیرامون این دسته میفرماید **ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً.**

و بعضی به اطاعت نباتیت، داخل ارض عادت و طبع شده و تمام زندگی ایشان در خواب و خوردن و آشامیدن خلاصه میگردد و خُلق و خوی ایشان با مزاجی که دارند تنظیم میشود و از عذاب و عقاب خداوند نمیترسند و گوش شنوا برای پند و اندرز عاقلان ندارند، چنانکه خداوند پیرامونشان میفرماید **وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِن يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ.**

و بعضی به اطاعت حیوانیت داخل اراضی شهوت و غضب میشوند و خصوصیات حیوانی بر ایشان غالب میگردد، چنانکه در فکر عاقبت امر خود نیستند و سیاست جوانب امور را نمی نمایند و به هر عملی برای فروکش کردن شهوت و غضب خود دست میزنند و میبینی با دوست و دشمن خود به مقتضای طبیعت حیوانی که به آن شبیه ترند راه میروند، برخی سواری میدهند، برخی میگزند، برخی حمله میکنند، برخی حيله میکنند و... و این دسته کسانی هستند که خداوند پیرامون ایشان میفرماید **أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ.**

و بعضی که در بدی از سایرین سبقت گرفته اند، چنان شیطان بر ایشان غلبه پیدا میکند که وارد ارض الحاد و شقاوت میشوند و از این دسته اند علماء سوئی که با تأویلات باطله و تمسک به شبهات، بنای فتنه و خراب کردن دین خداوند را گذاشته و دیگران را نیز گمراه میکنند، چنانکه خداوند پیرامون ایشان میفرماید **فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَ بَدَّرَ مِنْهُمْ كَثِيرٌ مِّنْ يَوْمٍ يُخَالِفُونَ** کسانی هستند که فرای اضلال سایرین، بنای دشمنی با حق و اهل آن را میگذارند.

به هر حال برای اینکه گرفتار اراضی مذکور نشده و ابدیت خود را در عذاب خداوند نگذرانیم، واجب است که به تعلیم علم طریقت پرداخته و سلوک الی الله کنیم، و به این منظور نیازمند پنج چیز هستیم.

1- اینکه پیش از این مرحله با عمل به آنچه در مطالب قبل گفته شد، سیاست بدن و روح حیوانی را کرده باشیم تا مرکب روح انسانی آماده شده باشد و قوای انسانی فعال شود تا هنگام سیاست آن فرا رسد.

2- عزم بر سلوک داشته باشیم و مواظبت بر علم و عمل به آن کنیم.

3- در پی استاد عالم و عاملی باشیم که راهنمای ما باشد، چرا که خود عارف به چند و چون آن نیستیم و چه بسیار است مهلکه های عظیمی مانند صوفیه و عرفان های کاذب و امثال ایشان که در این راه کمین کرده اند. اما همیشه هستند علمای حقی که با نظر در روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام، آنچه در این زمان برای ما ناقصین لازم است بیان کنند.

4- پس از یافتن استاد مناسب، تسلیم امر او باشیم و مراعات شأن او را بنماییم، که تفصیل این امر نیز در [بخش آخر مطالب حقوق اخوان](#) گذشت.

5- نیازمند همراه و همشاگردی هستیم تا در این طریق تنها نباشیم، و پیش از این در [سلسله مطالب حقوق اخوان](#) بسیار در این مورد گفته ام که سالک واحد شیطان است.

آنچه عرض شد، کلیاتی برای اقدام به سیاست روح انسانی بود و قطعا جزئیات آن که در علم طریقت بحث میشود، بیش از آن است که در یک مطلب قابل ذکر باشد، لذا سالک این طریق را به کتب نفیسی هدایت میکنم که از مشایخ عظام اعلی الله مقامهم بجای مانده است.

1- جلد نهم جوامع الکلم (چاپ مطبعة الغدير بصره) مرحوم شیخ احمد احسائی اعلی الله مقامه، که محتوی پنج رساله در این مورد است.

2- جلد یازدهم جواهر الحکم (چاپ مطبعة الغدير بصره) مرحوم سید کاظم رشتی اعلی الله مقامه، که محتوی هشت رساله در این مورد است.

3- طریق النجات مرحوم آقای حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه، که اکمل و افضل جمیع کتبی است که در علم طریقت نوشته شده و همچنین جلد سیزدهم مجموعه مکارم الابرار که در بر دارنده چهارده وصیت و رساله پیرامون سیر و سلوک است.

4- مصباح السالکین مرحوم آقای حاج محمد خان کرمانی اعلی الله مقامه.

5- فکرت مرحوم آقای حاج ابوالقاسم خان ابراهیمی اعلی الله مقامه.

6- درهای بهشت مرحوم آقای حاج عبد الرضا خان ابراهیمی اعلی الله مقامه، که خلاصه ای روان به زبان فارسی از کتاب مبارک طریق النجات است و خواندن تنها همین کتاب شریف را برای عموم سالکین این طریق مکفی میبینم.